

## A Reflection on the Obligations of the Bodily Indemnity Injury Fund in the Payment of Unclaimed Blood Money before Enactment of the Compulsory Insurance Act 2008

Hassan Poorbafrani<sup>1\*</sup>, Mahsa Dehini<sup>2</sup>

1. Associate Professor in Criminal Law, Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Iran

2. Ph.D. Student of Private Law at the University of Isfahan, Iran.

### Abstract

One of the significant changes in the Compulsory Insurance Acts 2008 and 2016 compared to the former laws (1968) was the omission of the limit in the maximum blood money payment by the Bodily Indemnity Injury Fund. According to Act 1968, payment of blood money by the fund has a maximum obligation, and accordingly, if a person was injured in a driving accident and died in recent years, the amount of money payable to the avenger of blood was up to the maximum obligation of the fund in the accident year, not the full blood money. This issue became more complex when in recent years some cases were brought to the judiciary in which the date of occurrence of the accident was before 2008 but the date of investigation of the case and issuance of the verdict was at present. The main question is that the law ruling these accidents is the past law or the present one? In other words, how much is the obligation of the Bodily Indemnity Injury Fund for the unclaimed blood money for the accidents that occurred before the enactment of Act 2008? Besides, how the conflict between the rule of blood money payment at the day rate and observance of the maximum obligations of the fund can be solved? There are different views for answering these questions and each one has some justifications for proving themselves. In this article, these views and acceptance of the optional view are expressed and some suggestions will be offered for solving the conflict.

**Keywords:** Compulsory Insurance Act, Bodily Indemnity Injury Fund, Blood Money, Driving Accidents, Personal Injury

\*Corresponding Author: [hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir](mailto:hpoorbafrani@ase.ui.ac.ir)



#### Article Type:

Original Research

Pages: 3-23

Received: 2021 August 13

Revised: 2021 November 16

Accepted: 2022 April 07



# تأملی بر تعهدات صندوق تأمین خسارت بدنی در پرداخت دیه‌های مطالبه نشده قبل از تصویب قانون بیمه اجباری ۱۳۸۷

حسن پوربافرانی<sup>۱\*</sup>، مهسا دهینی<sup>۲</sup>

۱. دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.



## چکیده

یکی از تغییرات مهم قوانین بیمه اجباری ۱۳۸۷ و ۱۳۹۵ نسبت به قانون سابق (۱۳۴۷)، حذف محدودیت در سقف پرداخت دیه توسط صندوق تأمین خسارت‌های بدنی است. طبق قانون ۱۳۴۷ پرداخت دیه توسط صندوق دارای سقف تعهداتی بود و بر این اساس، اگر زیان‌دیده تصادف رانندگی در این سال‌ها فوت می‌نمود، میزان دیه‌ی قابل پرداخت به اولیای دم وی، تنها تا سقف تعهدات صندوق در سال وقوع حادثه و نه یک دیه‌ی کامل امکان پذیر بود. این مسئله زمانی پیچیده تر گردید که در سال‌های اخیر پرونده‌هایی در مراجع قضایی مطرح می‌گردد که تاریخ وقوع تصادف در آن‌ها قبل از سال ۱۳۸۷ است اما تاریخ رسیدگی به پرونده و صدور رای، زمان حاضر است. پرسش مهم این است که قانون حاکم بر این حوادث، قانون گذشته یا حال است؟ به عبارت دیگر تعهدات صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در خصوص دیه‌های مطالبه نشده تصادفاتی که قبل از تصویب قانون ۱۳۸۷، رخ داده، به چه میزان است؟ نیز تعارض قاعده پرداخت دیه به نرخ روز و رعایت سقف تعهدات صندوق به چه شکلی قابل حل است؟ دیدگاه‌های متفاوتی برای پاسخ به این سئوالات وجود دارد که هر کدام توجیهی برای اثبات خود دارند. در این مقاله ضمن تبیین این دیدگاه‌ها و پذیرش دیدگاه مختار، پیشنهادهایی نیز در جهت حل تعارض ارائه خواهد شد.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۳-۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۰۸



**واژگان کلیدی:** قانون بیمه اجباری، صندوق تأمین خسارت بدنی، دیه، حوادث رانندگی، صدمات

بدنی



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

## درآمد

صندوق تأمین خسارات بدنی، نخستین بار به موجب «قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسائل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» مصوب ۱۳۴۷، ایجاد گردید و برخی مقررات آن نیز به موجب «قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسائل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» مصوب ۱۳۸۷ اصلاح گردید. از جمله اصلاحات مهم سال ۱۳۸۷ حذف محدودیت در سقف پرداخت دیات توسط صندوق تأمین خسارات‌های بدنی بود. این مطلب در «قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» مصوب ۱۳۹۵ نیز همچنان باقی ماند.

به موجب ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسائل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۴۷: «وظایف و صلاحیت صندوق تأمین خسارات‌های بدنی، به موجب آیین نامه‌ای خواهد بود که وسیله شرکت سهامی بیمه ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید». بر همین اساس نیز هیأت وزیران با در نظر گرفتن منابع مالی این صندوق، حداکثر غرامت قابل پرداخت به هر زیان‌دیده را در سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۷ تصویب و ابلاغ نمود. از جمله برای حوادث رانندگی از مورخ ۱۳۸۳/۰۸/۴ لغایت ۱۳۸۵/۱۱/۱۸، مبلغ ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین گردید.

اما در سال ۱۳۸۷ با اصلاحات صورت گرفته در «قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسائل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث» مصوب ۱۳۸۷، محدودیت در سقف پرداخت صندوق تأمین خسارات‌های بدنی، حذف گردید و در نتیجه از تاریخ ۱۳۸۷/۶/۲۰ دیه قابل پرداخت زیان‌دیدگان حوادث رانندگی تا سقف دیه کامل مرد مسلمان تعیین شد. اصلاحات صورت گرفته در قانون ۱۳۸۷ در نهایت در قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ نیز مورد تأیید قرار گرفت. این مسئله زمانی پیچیده تر شد که به عنوان مثال شخصی در سال ۱۳۸۳ در اثر تصادف رانندگی، فوت شده بود اما طرح دعوای اولیای دم وی به علت عدم آگاهی آن‌ها از وجود صندوق تأمین خسارات‌های بدنی، سال‌ها بعد مثلاً در سال ۱۳۹۵ یا بعد از آن صورت می‌گرفت.<sup>۱</sup> طرح این دعوای

۱- آرای متعددی در این خصوص وجود دارد که به برخی از آن‌ها در این مقاله اشاره شده است. جدیدترین

در محاکم قضایی منجر به ایجاد تعارض میان «قاعده پرداخت دیه به قیمت یوم‌الادا» (قیمت روز) و «پرداخت مطابق سقف تعهدات صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» به موجب مصوبه هیات وزیران، گردید.

در این موارد از یک سو، زیان دیده با استناد به قاعده‌ی پرداخت دیه به نرخ روز، تقاضای دریافت دیه‌ی کامل فوت را دارد در حالی که از سوی دیگر صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در مقام دفاع به وجود سقف تعهدات در سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۷ استناد می‌نماید که نهایتاً رسیدگی به این پرونده‌ها منجر به صدور آرای متعارض می‌گردد. البته رویه بیمه آن است که با پرداخت با نرخ‌های مقرر در زمان وقوع حادثه مشکلی ندارد و آن را پرداخت می‌کند ولی زیان دیده یا اولیای وی در موارد قتل به امید رسیدن به مبلغ ریالی بیشتر دست به دامن مراجع دادگستری می‌شوند. با توجه به وجود پرونده‌های متعددی در این خصوص که بخشی از آنها در مقاله ذکر شده و بخشی دیگر هم هنوز به صدور رأی منجر نشده‌اند، تحقیق در این زمینه ضرورت دارد و بدیهی است که انتخاب و اعمال یکی از این دو دیدگاه، اثرات قابل توجهی بخصوص در مورد پرونده‌های طرح نشده یا در حال رسیدگی دارد. برای مثال میزان یک دیه‌ی کامل به نرخ سال ۱۴۰۰ به مبلغ ۴۸۰ میلیون تومان است، در حالی که در صورت اعمال

دادنامه‌ای که به دست نویسندگان رسیده، دادنامه شماره ۱۴۰۰۲۵۳۹۰۰۰۹۵۷۳۴۸۰ مورخ ۱۴۰۰/۸/۳۰، صادره از شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو تربت حیدریه است که به موجب آن: «... مرحوم پدر خواهان... در حادثه ترافیکی مورخ ۸۱/۱۲/۲۱ فوت نموده است... خوانده در جلسات رسیدگی حاضر گردید و فی الجمله ادعای خواهان را در اظهارات خود و لوائح تقدیمی پذیرفته است لکن اظهار داشته موضوع پرونده خازج از شمول قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵ و مشمول قانون ۱۳۴۷ و اصلاحی آن در سال ۱۳۸۷ است و در زمان حاکمیت قانون مذکور تعهدات صندوق سقف داشته و صندوق ملزم به جبران کامل دیه و خسارت بدنی نبوده است... با عنایت به مراتب فوق الذکر و ملاحظه این مطلب که اولاً: برخلاف ادعای وکلای خواهان، ماده ۶۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارده به اشخاص ثالث در اثر حوادث رانندگی [۱۳۹۵] ناظر بر بیمه نامه‌ی صادره قبل از تصویب قانون می‌باشد و دلالتی بر مسئولیت صندوق تأمین ندارد، ثانیاً وفق ماده ۴ قانون مدنی اثر قانون نسبت به آتیه است، ثالثاً مسئولیت صندوق در طول مسئولیت مسبب حادثه است و نه در عرض آن، رابعاً برخلاف ادعای خوانده حوادث موضوع این پرونده مشمول مرور زمان نمی‌باشد و لذا مستنداً به مواد ۱۰ از قانون بیمه اجباری ۱۳۴۷ اصلاحی ۱۳۸۷، ماده ۴ از قانون مدنی، تبصره ۳ از ماده قانون بیمه اجباری ۱۳۸۷، دعوای خواهان را به میزان سقف تعهدات صندوق در زمان وقوع حادثه وفق بخشنامه... وارد دانسته و به استناد ماده ۱۰ از قانون بیمه اجباری صندوق را به پرداخت سهم الارث خواهان از دیه... تا سقف تعهدات صندوق در زمان وقوع حادثه محکوم می‌نماید...».

سقف تعهدات صندوق در سال ۸۴، تنها ۸ میلیون تومان به زیان دیده در فرض اثبات ادعای خود، قابل پرداخت می‌باشد.

اکنون با توجه به عدم حل این تعارض و طرح شدن دعاوی متعدد در این خصوص و صدور آرای متعارض قضایی حتی در حال حاضر (سال ۱۴۰۰) و با عنایت به تاریخ لازم الاجرا شدن قانون اصلاح قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷ و با توجه به ماده ۳۰ قانون مذکور که مقرر می‌دارد: «قانون بیمه مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث (مصوب ۱۳۴۷) و کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌گردد. هرگونه نسخ یا اصلاح مواد این قانون باید صریحاً ذکر گردد»، این سوال مطرح می‌گردد که قانون حاکم بر پرونده‌هایی که در سال‌های اخیر به مطالبه دیه تصادفات رانندگی واقع در سال‌های قبل از تصویب قانون اصلاح بیمه اجباری ۸۷، می‌پردازد، کدام قانون است؟ میزان تعهدات صندوق تامین خسارتهای بدنی در خصوص دیه‌های مطالبه نشده تصادفاتی که قبل از تصویب قانون ۱۳۸۷، رخ داده است، به چه میزان است؟ تعارض میان قاعده پرداخت دیه به نرخ روز و رعایت سقف تعهدات این صندوق به چه شکلی قابل حل است؟

این مقاله در مقام پاسخ به این سئوالات طی سه مبحث به بیان دیدگاه‌های دوگانه موجود پرداخته و سپس در مبحث سوم، نظر مختار خود را با ارایه پیشنهادهایی در این خصوص بیان می‌کند.

### ۱. دیدگاه پذیرش سقف تعهدات صندوق تامین خسارات بدنی

دیدگاهی که صندوق خسارات تامین بدنی آن را قبول داشته و در واقع رویه عملی آن به شمار می‌آید و در رویه قضایی استقبال بیشتری از آن شده، دیدگاه مبتنی بر پذیرش سقف تعهدات صندوق تامین خسارات بدنی در پرداخت دیه‌های مطالبه نشده تصادفات قبل از تصویب قانون بیمه اجباری است. مطابق

۱- این قانون در تاریخ ۱۳۸۷/۰۶/۰۴ در روزنامه رسمی شماره ۱۸۴۹۲ منتشر و از تاریخ ۱۳۸۷/۰۶/۲۰ لازم الاجرا گردیده است. با توجه به مدت ۵ سال اجرای آزمایشی آن به موجب قانون تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۰۲/۰۷/۱۳۹۲، مدت اجرای آزمایشی قانون فوق، از تاریخ پایان مهلت اجرای آزمایشی آن تا پایان سال ۱۳۹۳ تمدید شده است.

این دیدگاه دیه های مطالبه نشده از لحاظ مبلغ ریالی تابع قانون زمان وقوع جرم است و مشمول قاعده یوم الادا یا پرداخت به نرخ زمان تأدیه نیست. از جمله در دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۳۶۹۱۰۰۹۹۷ مورخ ۹۶/۰۸/۲۰ صادره از شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان آمده است: «... عمده اعتراض تجدیدنظرخواه راجع به زمان پرداخت دیه می باشد و عدم تعیین سقف؛ تجدیدنظر خواهی از جهات مذکور وارد است، آنچه مسلم است وقوع تصادف در تاریخ ۱۳۸۳/۹/۲۰ اعلام شده و مصدوم با ترخیص از بیمارستان و بهبودی اقدامی برای شناسایی راکب موتور سیکلت به عمل نیاورده و به حکایت گزارش کلانتری انتظامی اصفهان، پس از تصادف هیچ گونه پیگیری توسط مصم جهت ادامه شکایت از مسبب تصادف صورت نگرفته و اقامه دعوا در سال ۱۳۹۵ بوده و با توجه به اینکه اقدامات صندوق خسارتهای بدنی به موجب قانون از جهت حمایت از زیان دیده می باشد و مقررات ناظر بر مسبب زیان و مقصر حادثه در ابعاد کلی بر وی حاکم نیست و از طرفی اثر قانون به گذشته تسری نداشته مگر تصریح شده باشد و تعهدات صندوق بواسطه الزامات قانونی است که الزامات با زمان حاکمیت قانون و زمان وقوع حادثه باید تطابق داشته باشد و باتوجه به وقوع تصادف در تاریخ ۸۳/۹/۲۰؛ قانون حاکم بر دعوای طرح شده، قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۴۷ می باشد که با تصحیح آن و محاسبه دیه متعلقه بر اساس همان قانون استناداً، به ماده ۳۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه تجدیدنظر خواسته با قیود ذکر شده نتیجتاً تایید می شود. این رای قطعی است».

این دیدگاه مبتنی بر دلایل زیر است:

۱- دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۳۶۸۸۰۰۴۶۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۳۱ شعبه ۷ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان، دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۳۶۹۹۰۱۹۳۶ دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۳۶۹۹۰۲۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۲ شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۳۶۹۹۰۳۵۹ مورخ ۹۶/۱۰/۳۰ شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان، دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۳۶۹۹۰۳۵۹ مورخ ۹۶/۰۳/۲۷ شعبه ۶ دادگاه تجدیدنظر استان گیلان، دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۲۱۶۱۲۰۰۸۳۶ مورخ ۸۹/۱۰/۲۰ شعبه ۴۷ دادگاه عمومی تهران، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۸۷۰۰۳۹۶ مورخ ۹۲/۰۴/۱۹-۱۳۹۲، شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۲۳۲۵۱۰۰۱۱۶ مورخ ۹۲/۰۲/۳۱-۱۳۹۲، شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی بخش میامی، دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۳۴۲۷۲۰۰۲۲۴ مورخ ۹۲/۰۳/۱۲-۱۳۹۲ شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان رفسنجان، دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۱۳۱۴۳۰۱۰۲۴ مورخ ۹۰/۰۹/۲۶-۱۳۹۰، شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر استان گیلان (آقامیری، ۱۳۹۲: ۲۰-۴۰). همگی مبتنی بر این دیدگاه صادر شده اند.

### ۱-۱. قاعده عطف بماسبق نشدن قانون

قوانین هر جامعه‌ای ممکن است در بازه‌های زمانی مختلف، بنابر مصالحی دستخوش تغییر شوند که نحوه اثرگذاری این تغییرات در بازه زمانی خود و پس از آن تابع قواعدی است که مهمترین آن عدم سرایت قانون جدید نسبت به رفتارهای گذشته است (مرتضوی، الهام و عبدیان، ۱۳۹۸: ۱۶۶). در واقع هر فعلی باید بر اساس قانون حاکم بر زمان وقوع آن مورد بررسی قرار گیرد چرا که هدف هر قانونی آن است که نظم عمومی زمان خود را برقرار سازد (مرادخانی، حسینی، احمدی و عسگری، ۱۳۹۰: ۸). در خصوص حوادث رانندگی نیز با توجه به وضع سه قانون در طی سال‌های ۴۷ تا ۹۵، باید گفت قانون حاکم بر موضوع، قانون سال وقوع حادثه می باشد چرا که علی‌الاصول و به موجب ماده ۴ قانون مدنی اثر قانون نسبت به آتیه است و موارد خلاف این اصل را می بایست صرفاً در موضع نص تفسیر نمود و از توسعه بی جهت آن جلوگیری کرد (شیخوند و انصاری رامندی، ۱۴۰۰: ۱۶۱). در موضوع مقاله حاضر نیز با توجه به اینکه تاریخ حادثه قبل از لازم الاجرا شدن قانون اصلاح قانون بیمه ۱۳۸۷ می باشد، قانون حاکم بر موضوع، قانون ۱۳۴۷ است. این قاعده هر چند یک قاعده حقوق عرفی است ولی از مبانی متعدد شرعی نیز برخوردار است که از تفصیل آن به جهت عدم ارتباط با موضوع در می گذریم (ر.ک. محقق داماد، ۱۳۹۳: ۲۳؛ محقق داماد، ۱۳۸۲: ۱۵؛ صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۸۰). از لحاظ نصوص قانونی نیز علاوه بر ماده ۴ قانون مدنی که اثر قانون را اصولاً نسبت به آتیه می داند، ماده ۱۹۵ آ.د.م نیز مقرر می دارد: «دلایلی که برای اثبات عقود یا ایقاعات یا تعهدات یا قراردادهای اقامه می شود، تابع قوانینی است که در موقع انعقاد آنها مجری بوده است مگر این که دلایل مذکور از ادله شرعیه ای باشد که مجری نبوده و یا خلاف آن در قانون تصریح شده باشد». ماده ۱۹۶ نیز در مورد وقایع حقوقی می گوید: «دلایلی که برای اثبات وقایع خارجی از قبیل ضمان قهری، نسب و غیره اقامه می شود، تابع قانونی است که در موقع طرح دعوا مجری می باشد».

### ۲-۱. شرایط خاص حاکم بر صندوق خسارات بدنی

نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد این است که در اغلب موارد صندوق وقتی

طرف مراجعه قرار می‌گیرد که مجرم متواری بوده و شناخته نشده است. در این قبیل موارد اغلب پرونده‌ها را در بحث ما به خود اختصاص می‌دهد، صندوق مباشر یا مسبب خسارت بدنی موجب دیه نفس یا عضو نیست و تنها به جهت هدر نرفتن خون مسلمان (در موارد قتل) و نیز بلاجبران نماندن خسارات بدنی (در صدمات جسمانی علیه عضو) با تصریح مقنن مکلف به پرداخت دیه در چارچوب بودجه محدود خود شده است و بنا بر این نباید انتظار بیشتر از توان صندوق را داشت. بدین ترتیب درست است که مشهور فقیهان پرداخت دیه را از حیث مبالغ ریالی آن تابع زمان پرداخت (یوم الادا) می‌دانند و قانون مجازات اسلامی هم در این خصوص تصریح دارد اما بعید نیست که این قاعده ناظر به خود مباشر یا مسبب حادثه باشد نه صندوق خسارات تأمین بدنی. در واقع اقدامات صندوق به موجب قانون به جهت حمایت از زیان‌دیده و تابع شرایط شکلی و ماهوی ناظر به آن می‌باشد و مقررات ناظر بر مسباشر یا مسبب خسارت بدنی در ابعاد کلی بر وی حاکم نیست و تحمیل پرداخت دیه به قیمت روز بر آن، با اصول حقوقی سازگاری ندارد. بخصوص در فرضی که خواهان یا شاکی از زمان وقوع حادثه تا اقامه دعوا مراجعه‌ای به صندوق نداشته تا این مرجع به تکلیف قانونی خود عمل نماید و تعهدات صندوق در واقع الزاماتی قانونی است که این الزامات می‌بایست با زمان حاکمیت قانون و زمان وقوع حادثه تطابق داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۲۸). بدین ترتیب در حالتی که در ارتباط با صندوق مقررات صریحی مبنی بر سرایت قانون به گذشته پیش بینی نشده است باید تابع همان قاعده کلی اثر قانون نسبت به آتیه بود (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۶۰-۵۹؛ نهرینی، ۱۳۹۶: ۷۵). بر همین اساس اگر حادثه رانندگی و قرارداد بیمه هردو در زمان قانون سابق باشند، از حیث تعهدات نمی‌توان قانون جدید را اعمال کرد زیرا به محض وقوع حادثه، حق مستقیم زیان دیده در مراجعه به بیمه گر و مقصر حادثه محقق می‌گردد و اگر شخص زیان دیده تحت حمایت قانون باشد، در همان زمان چنین وضعیتی را به دست می‌آورد (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۲۹۷). به ویژه اینکه رای دادگاه در مورد مسئولیت مدنی از نظر اصل حق، چهره اعلامی دارد و کاشف از گذشته می‌باشد و تنها از نظر شیوه اجرا تاسیسی به نظر می‌رسد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۶۷۵). از همه مهمتر عدم مراجعه خواهان یا شاکی در زمان مقرر و تأخیر در مراجعه به صندوق برای مطالبه دیه را نباید به پای صندوق نوشت. بخصوص در حالاتی که عدم



مراجعه شاکی یا خواهان عمداً صورت گرفته باشد، این عدم مراجعه عمدی، شکلی از اقدام علیه خویش است و زیان ناشی از کاهش ارزش پول هم باید به حساب خود آنها و نه صندوق نوشته شود.

در ماده ۶۵ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵ هم آمده است: «بیمه نامه‌های صادره پیش از لازم الاجراء شدن این قانون مشمول قانون زمان صدور خود هستند، لکن در هر حال احکام بندهای (الف) و (ب) ماده (۴) و مواد (۱۱)، (۱۹)، (۲۲)، (۲۵)، (۳۰) و ماده (۳۲) و تبصره‌های آن، مواد (۳۶)، (۳۷)، (۳۸)، (۴۹)، (۵۰) و (۶۰) در مورد بیمه نامه‌هایی که هنوز خسارات تحت پوشش آنها پرداخت نشده نیز لازم‌الرعايه است.» (خانی گیاشی، ۱۳۹۶: ۱۸۲). انصراف ماده فوق به تعهدات قراردادی، بیانگر آن است که مقنن تعهدات غیرقراردادی صندوق در پرداخت دیه‌های ناشی از حوادث رانندگی را تابع قانون حاکم بر زمان وقوع حادثه دانسته لذا نمی‌توان صندوق را نسبت به تعهداتی که به موجب قانون لاحق وضع گردیده، مسئول دانست.

## ۲. دیدگاه پرداخت دیه به قیمت یوم الاداء

این دیدگاه قائل به پرداخت دیه به نرخ روز و عدم پذیرش سقف تعهدات صندوق تامین خسارت‌های بدنی در خصوص پرونده‌های مذکور است. از جمله دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۸۰۰۰۸۶۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۱۲، شعبه ۲۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران در این خصوص چنین است: «... با توجه به محتویات پرونده و با عنایت به دلایل و مدارک ابرازی از سوی خواهان و با التفات به اینکه وفق موازین قانونی مبلغ دیه باید به نحو یوم الاداء پرداخت شود... و توجه به ناچیز و غیر معقول بودن مبلغ دیه در زمان وقوع حادثه، در نتیجه دادگاه مستند به ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷ و ماده ۱۹۸ از قانون آیین دادرسی مدنی، حکم به محکومیت صندوق موصوف به پرداخت دیه کامل مرد مسلمان تا سقف دیه زمان پرداخت در حق وراث مرحوم ..... صادر و اعلام می‌نماید...»<sup>۱</sup>. این دیدگاه مبتنی بر

۱- همچنین در دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۴۵۵۲۰۰۹۰۹ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۹، شعبه ۲ دادگاه عمومی حقوقی ماکو گفته شده است: «... دفاع خوانده (صندوق خسارات تأمین بدنی) مبنی بر اینکه اثر قانون نسبت به آتیه است و نسبت به ماقبل خود اثر ندارد و در مانحن فیه قانون ۱۳۴۷ مناط بوده و صندوق مکلف به پرداخت ۲۰۰ هزار ریال سقف

دلایل زیر است:

## ۲-۱. اقتضای تفسیر منطقی قانون

به رغم فقدان نص صریحی در این خصوص اما نشانه‌هایی موجود دارد که از طریق آنها مراد مقنن به خوبی قابل کشف است. از جمله ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «در صورتی که پرداخت‌کننده بخواهد هر یک از انواع دیه را پرداخت نماید و یا پرداخت دیه به صورت اقساطی باشد، معیار، قیمت زمان پرداخت است مگر آنکه بر یک مبلغ قطعی توافق شده باشد». ماده ۱۳ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵ نیز گفته است: «بیمه‌گر یا صندوق حسب مورد مکلفند خسارت بدنی تعلق گرفته به شخص ثالث را به قیمت یوم الاداء و با رعایت این قانون و سایر قوانین و مقررات مربوط پرداخت کنند...». این مواد در مطابقت با نظر مشهور فقیهان (کرمی، ۱۳۷۸: ۲۰۳) پرداخت دیه را از حیث مبالغ ریالی «یوم‌الادا» می‌دانند. ذکر واژه «پرداخت‌کننده» در ماده ۴۹۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ هم کمک‌کننده است و می‌تواند ناظر به هر پرداخت‌کننده‌ای از جمله صندوق باشد. به علاوه خسارات بدنی در حقوق ایران غالباً از طریق دیه جبران می‌گردند و دیه، نوعی دین به ارزش است و دین پولی معین نیست و شاید به همین جهت است که در دیه امکان دریافت خسارت تأخیر تأدیه نیست، زیرا پرداخت‌کننده، در هر حالت باید دیه را به نرخ روز پرداخت کند (اشرف زاده فرسنگی، ۱۳۹۷: ۱۹۲؛ کاویانی و وروایی، ۱۳۹۴: ۱۳۴؛ مهدی پور و مهدیون، ۱۳۸۸: ۲۷). افزون بر این در اصل ۱۶۷ قانون اساسی آمده است که در صورت وجود ابهام یا فقدان نص خاص باید برای یافتن حکم قضیه به فتاوی معتبر مراجعه کرد و این فتاوی نیز در این خصوص پرداخت دیه را از حیث مبالغ ریالی یوم‌الادا می‌دانند (کرمی، ۱۳۷۸: ۲۰۳). در نتیجه باید گفت اقتضای اصول و قواعد تفسیر قوانین، پرداخت دیه به قیمت یوم‌الادا است.

تعهدات می‌باشد، موجه نمی‌باشد؛ چه اینکه وفق ماده ۳۰ قانون بیمه اجباری ۱۳۸۷ کلیه مصوبات مغایر با این قانون لغو گردیده ثانیاً طبق شرع مقدس اسلام پرداخت دیه باید به صورت «یوم‌الاداء» صورت گیرد، لذا پرداخت بر اساس سال وقوع تصادف، در اجرای اصل ۴ قانون اساسی منطبق با موازین اسلامی نمی‌باشد...». همچنین دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۵۴۷۰۸۰۰۲۵۰ مورخ ۱۵/۰۵/۱۳۹۲، شعبه ۱۰۲ دادگاه عمومی ایرانشهر نیز در همین راستا صادر شده است.

## ۲-۲. تحقق برائت ذمه با پرداخت به قیمت یوم‌الادا

هر چند برخی از نویسندگان با پرداخت دیه به قیمت یوم‌الادا دیدگاه همراهی کرده‌اند (تیزمهر و شرافت پیما، ۱۳۹۸: ۷۶؛ خدابخشی، ۱۴۰۰، ۲۶۹) اما استدلالی که در سخنان آنها دیده نمی‌شود آن است که غرض مقنن از مکلف کردن صندوق به پرداخت دیه، فقط یک امر شکلی و تشریفاتی نیست بلکه امری ماهوی است و آن واقعاً پرداخت دیه است. در حالی که پرداخت دیه به نرخ‌های زمان قبل از سال ۱۳۸۷ گاهی آنچنان کم است که تنها چیزی که نمی‌توان بر آن نام نهاد، عنوان دیه است. پرداخت دیه باید معنادار باشد و تنها وقتی معنا پیدا می‌کند که به صورت یوم‌الادا باشد. اقتضای قواعدی چون لاضرر و حرمت مال مسلمان (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۵) نیز جز این نیست. بدین معنا که تعدی و تجاوز نسبت به مال دیگران جایز نیست و در فرض تجاوز هم متجاوز، مسئول و ضامن است (روحانی، ۱۴۲۹: ۹۲). در واقع مسئول پرداخت دیه باید آن را در موعد مقرر به محکوم‌له پرداخت نماید و تا زمانی که مال را پرداخت نکند به نوعی تصرف بلا اذن در مال غیر نموده و مسئول است که آن را عودت دهد. بازگرداندن مال به مالک یا دائن یا محکوم‌له باید به نحوی صورت گیرد که به بهترین وجه احقاق حق وی صورت پذیرد (امامی، ۱۳۷۵: ۳۵۷). از سوی دیگر اصل فوریت نیز اقتضای پرداخت دیه به قیمت روز را دارد (ولایی، ۱۳۷۴: ۲۴۳) به این معنا که تکلیف باید سریعاً انجام شود و مسئول پرداخت دیه باید فوراً آن را پرداخت کند. اگر مرتکب در پرداخت تعلل نماید امر فوری را به تأخیر اندازد کمترین ضمانت اجرای این تراخی در پرداخت دیه، پرداخت آن به نرخ روز است (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۰۶).

نظریه مشورتی شماره ۱۵۹۸/۹۸/۷ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۲ اداره حقوقی قوه قضائیه هم هم راستا با این دیدگاه مقرر داشته است: «اولاً، دیه همواره به نرخ روز پرداخت می‌شود و در این امر اختلافی نیست؛ حکم مذکور در ماده ۱۳ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ مبنی بر پرداخت دیه به بهای روز بر این امر تأکید و تصریح دارد. ثانیاً، عدم اقدام برای مطالبه دیه از ناحیه مجنی‌علیه یا وراث وی (متوفی)، موجب سقوط حق مذکور برای آنان نیست و لذا هر زمان می‌توانند این حق را مطالبه کنند. ثالثاً، دلیلی بر این که عدم مطالبه افراد مذکور موجب تنزل دیه به قیمت روز حادثه باشد، در قانون

پیش‌بینی نشده است». نظریه شماره ۴۸۲/۹۹/۷ مورخ ۱۳/۰۵/۱۳۹۹ این اداره هم با همین نگاه صادر شده است.

۳. دیدگاه مختار

به نظر می‌رسد در پاسخ به این سؤال که آیا در مورد پرونده‌های مطرح شده قبل از سال ۱۳۸۷ دیه را باید در چارچوب سقف مقرر آن زمان پرداخت یا به قیمت یوم‌الادا، نمی‌توان به صورت مطلق نظر داد. زیرا این تأخیر می‌تواند علتهای مختلفی از جمله تقصیر زیان دیده یا مقصر حادثه در مراجعه به صندوق؛ تقصیر صندوق در تأخیر در پرداخت خسارت و یا تأخیر در روند دادرسی داشته باشد. لذا در موضوع مورد بحث لازم است مشخص گردد تأخیر در مطالبه دیه ناشی از کدام یک از این عوامل است. هر یک از این عوامل در ذیل تبیین می‌شود و در نهایت دیدگاه مختار ارائه می‌گردد.

### ۳-۱. تقصیر زیان دیده یا مقصر حادثه

به موجب ماده‌ی ۱۵ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، که هنوز هم لازم‌الاجراست و رویه عملی هم هست: «بیمه‌گذار مکلف است ظرف مدت پنج روز از وقوع حادثه اعلام خسارت نماید». همچنین به موجب ماده ۳۰ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵، «اشخاص ثالث زیان‌دیده حق دارند با ارائه مدارک لازم برای دریافت خسارت به طور مستقیم حسب مورد به شرکت بیمه مربوط و یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مراجعه کنند. همچنین مسبب حادثه می‌تواند با ارائه مدارک لازم جهت تشکیل پرونده پرداخت خسارت به زیان‌دیده حسب مورد به بیمه‌گر یا صندوق مراجعه کند. در «آیین‌نامه اجرایی ماده (۳۰) قانون بیمه اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۶/۵/۸» هم جزئیات این موارد که به نوعی رویه عملی بیمه محسوب می‌شود هم ذکر شده است. با این حال در مورد سؤال مشخص این مقاله باید گفت در اغلب موارد مقصر حادثه متواری است یا شناخته نشده است چرا که اگر شناخته شده بود زیان‌دیده به او مراجعه کرده و دیه مقرر را از خود او مطالبه می‌کرد. هر چند در این حالت هم مثلاً در مواردی که مقصر به گواهی‌نامه رانندگی نداشته باشد ممکن است سرو کارش به صندوق بیفتد ولی اصولاً مشمول بحث این مقاله که راجع به دیه‌های مطالبه نشده قبل از سال ۱۳۸۷ است، نمی‌شود. پس تنها حالتی که می‌تواند

متصور باشد، تقصیر زیان دیده در مراجعه به صندوق است. این عدم مراجعه در موارد قلیلی عمدی است و در موارد زیادی هم ناشی از عدم آگاهی به وجود صندوق. به نظر می‌رسد که در فرض احراز عمدی بودن عدم مراجعه، این رفتار را می‌توان نوعی اسقاط حق خویش (قاعده اقدام) تلقی کرده و حداقل بار این عدم مراجعه عامدانه را بر دوش صندوق نهاد و تنها صندوق را مکلف به پرداخت دیه در چارچوب سقف مربوطه متعهد دانست.

### ۲-۳. تقصیر صندوق

اگر عدم پرداخت چنین دیه‌هایی مستند به صندوق باشد بدیهی است که بار افزایش نیز بر عهده خود صندوق است و در این میان بحثی مطرح نمی‌شود. توضیح اینکه به موجب ماده ۳۱ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵، صندوق مکلف است حداکثر پانزده روز پس از دریافت مدارک مورد نیاز، خسارت متعلقه را پرداخت کند. همچنین طبق ماده ۳۲ این قانون، بیمه‌گر مکلف است حداکثر ظرف مدت بیست روز از تاریخ قطعی شدن مبلغ خسارت، مبلغ خسارت را به زیان‌دیده پرداخت و در صورت عدم مراجعه وی در مهلت مذکور نزد صندوق تودیع و قبض و اریز را به مرجع قضائی مربوط تحویل دهد. در این صورت تعهد بیمه‌گر و مسبب حادثه، ایفاء شده تلقی می‌شود همچنین صندوق مکلف است بلافاصله پس از درخواست زیان دیده مبلغ مذکور را عیناً به وی پرداخت نماید. از همین رو چنانچه بیمه‌گر یا صندوق به رغم کامل بودن مدارک، در انجام تکلف مذکور تاخیر یا امتناع نماید، طبق ماده ۳۳ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ به پرداخت جریمه‌ای معادل نیم در هزار به ازای هر روز تأخیر در حق زیان‌دیده یا قائم مقام وی محکوم می‌شود.

### ۳-۳. تأخیر در روند دادرسی

غالباً بین زمان وقوع حادثه و تسویه خسارت مدتی بیش از یک سال فاصله می‌افتد و عمده این فاصله ناشی از کند بودن روند دادرسی است. اوقات رسیدگی طولانی است و معمولاً دعاوی به چندین جلسه رسیدگی نیاز دارد. کمتر موردی مشاهده شده که حادثه‌ای در همان سال وقوع به صدور حکم قطعی و پرداخت خسارت

توسط شرکت بیمه یا صندوق منتهی شده باشد. اکنون باید دید این تأخیر، که منشاء آن زیان دیده، بیمه‌گذار یا بیمه‌گر نیست و صرفاً مربوط به روند دادرسی است، اگر موجب افزایش دیه شود، چه کسی مسئول پرداخت آن است؟ به نظر می‌رسد اگر تراکم دعوی، کمبود قاضی و سیر طبیعی رسیدگی چنین تأخیری را ایجاد نماید، هیچ کسی را نمی‌توان مسئول دانست و در نهایت جبران خسارت بر عهده‌ی مقصر حادثه خواهد بود. بدیهی است که چنانچه اطلاع دادرسی بدون دلیل موجه و به موجب اقدامات شرکت‌های بیمه یا صندوق، ایجاد شده باشد، جبران این افزایش دیه می‌بایست بر عهده‌ی این نهادها قرار گیرد و تحمیل آن به مقصر حادثه، غیرقابل قبول است (امامی پور، ۱۳۸۳: ۱۳۰).

اکنون باید مشخص گردد موضوع مورد بررسی در این مقاله، مشمول کدام یک از موارد مذکور است؟ به نظر می‌رسد فرض مدنظر در غالب موارد مشمول هیچ یک از این موارد نیست زیرا غالب زیان‌دیدگان حوادث رانندگی که در سال‌های قبل از ۱۳۸۷ دچار حادثه گردیده‌اند اساساً از وجود صندوق تأمین خسارت‌های بدنی و قابلیت جبران خسارت در فرض شناسایی نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، بی اطلاع بوده‌اند حتی در برخی موارد این زیان‌دیدگان اقدام به اقامه دعوا در مراجع قضایی نموده‌اند ولی به علت شناسایی نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه موفق به دریافت خسارت نشده‌اند. در نتیجه به نظر می‌رسد در این موارد نمی‌توان زیان‌دیدگان حوادث رانندگی را مسئول تأخیر در پرداخت دیه دانست. بدین ترتیب اصول و قواعد حقوقی همچون اصل پرداخت دیه به قیمت زمان یوم‌الادا، اقتضای عمل به آموزه‌های عدالت ترمیمی، اصل جبران کامل خسارت و بخصوص جبران کاهش ارزش پول (احسان پور، امی، ۱۳۹۹: ۳۴) اقتضای آن دارد که دیه به قیمت یوم‌الادا پرداخت گردد. حتی اگر قائل به حاکمیت قانون زمان وقوع حادثه در این قسم پرونده‌ها باشیم، پذیرش این امر، منافاتی با پرداخت دیه به قیمت روز ندارد زیرا قانونی که برای رسیدگی به این موارد می‌بایست مورد استناد قرار گیرد، قانون زمان وقوع حادثه یعنی قانون بیمه اجباری ۱۳۴۷ است که به موجب آن پرداخت دیه توسط صندوق تأمین به زیان دیده ثابت می‌گردد ولیکن پرداخت دیه پس از اثبات تحقق آن، امر دیگری است. به عبارت دیگر می‌بایست مابین قانون حاکم بر موضوع پرونده که اثبات وقوع سانحه رانندگی و احراز مسئولیت صندوق است و قانون

حاکم بر پرداخت دیه پس از اثبات اصل موضوع، قائل به تفکیک شد. لازم به ذکر است، روح قانون بیمه اجباری تاکید بر این نکته دارد که صندوق تامین خسارت‌های بدنی، نهادی حمایتی است که هدف و فلسفه تشکیل آن، امری جز حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی نیست به همین خاطر باید گفت تقلیل قابل توجه میزان دیه پرداختی به زیان‌دیدگان حوادث رانندگی در این موارد، با فلسفه تاسیس و موجودیت صندوق تامین در تعارض است.

افزون بر آن، برخی نویسندگان در خصوص تعهدات بیمه‌گر با وجود انعقاد قرارداد بیمه در زمان قانون قدیم بر این عقیده اند که قانون بیمه اجباری چه در زمان سابق و چه در وضعیت فعلی مهم‌ترین هدف خود را حمایت از زیان دیده قرار داده است لذا در چنین وضعیتی نمی‌توان تنها بر حاکمیت اراده و تفسیر قراردادی از بیمه مذکور همانند سایر قراردادهای خصوصی تکیه نمود بلکه هر تفسیری به عمل آید باید متوجه حقوق زیان دیده باشد (خدابخشی، ۱۳۹۳: ۲۹۴). به همین خاطر باید گفت قرارداد بیمه در واقع به عنوان ابزاری حمایتی در دست قانون‌گذار می‌باشد تا به جای ستایش قرارداد، به اداره‌ی رابطه بین زیان دیده و بیمه‌گر بپردازد (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۲۶). به عبارت دیگر باید گفت قرارداد بیمه تنها وسیله‌ای است تا هدف قانونگذار در حمایت از زیان دیده تأمین شود و به همین خاطر قبض و بسط تعهدات آن نیز در اختیار قانونگذار است و نباید آن را در اختیار طرفین قرارداد دانست. به علاوه که در قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵، حمایت از ثالث زیان دیده افزایش یافته است و نمی‌توان به استناد حقوق قراردادی طرفین، این هدف را معطل گذاشت (خدابخشی، ۱۴۰۰: ۳۳۰). وانگهی می‌توان از این مطلب در خصوص تعهدات صندوق تامین نیز وحدت ملاک گرفت و به این ترتیب تفسیری متناسب با اهداف حمایتی قانون بیمه اجباری در راستای تضمین حقوق زیان دیده، ارائه نمود.

با این وجود، برخی در پذیرش سقف تعهدات صندوق، به تعیین منابع مالی محدود برای این صندوق در سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۷ استناد می‌نمایند.<sup>۱</sup> حال آنکه

۱- طبق ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۴۷: «درآمد صندوق تأمین خسارت‌های بدنی از منابعی است که به پیشنهاد دولت به تصویب کمیسیون‌های دارایی مجلسین برسد».

باید گفت با عنایت به تصویب قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵، این استدلال، ناموجه است زیرا به موجب ماده ۲۴ قانون جدید منابع مالی این صندوق به میزان قابل توجهی افزایش یافته است<sup>۱</sup>، تا آنجا که در صورت کمبود منابع مالی، دولت ملزم به تأمین مالی این صندوق می باشد و حتی درآمدهای صندوق مشمول مالیات به نرخ صفر بوده و از هرگونه عوارض معاف است. از آنجا که پرداخت دیه‌های مطالبه نشده در فرض اثبات، می بایست از منابع مالی فعلی صندوق تأمین گردد و نه آن منابع محدود مورد استناد در سال های ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۷، لذا در این خصوص نیز مشکلی وجود ندارد و پرداخت دیه های مذکور کاملاً متناسب با منابع فعلی صندوق می باشد .

۱- طبق ماده ۲۴ این قانون منابع مالی خوب و متعددی به شرح زیر برای صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به شرح زیر پیش‌بینی شده است: الف - هشت درصد (۸٪) از حق بیمه اجباری موضوع این قانون بر مبنای نرخنامه مذکور در تبصره (۳) ماده (۱۸) این قانون. ب - مبلغی معادل حداکثر یک سال حق بیمه اجباری که از دارندگان وسیله نقلیه ای که از انجام بیمه موضوع این قانون خودداری کنند، وصول می شود. میزان مبلغ مذکور، نحوه وصول، تخفیف، تقسیط و بخشودگی آن به پیشنهاد بیمه مرکزی به تصویب مجمع عمومی صندوق می رسد. پ - مبالغ بازیافتی از مسببان حوادث، دارندگان وسایل نقلیه، بیمه گران و سایر اشخاصی که صندوق پس از جبران خسارت زیان دیدگان مطابق مقررات این قانون حسب مورد دریافت می کند. ت - درآمد حاصل از سرمایه گذاری وجوه صندوق با رعایت ماده (۲۷) این قانون. ث - بیست درصد (۲۰٪) از جریمه های وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور. ج - بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه و تعزیرات حکومتی. چ - جریمه های موضوع بند (پ) ماده (۴)، ماده (۴۴) و بند (ت) ماده (۵۷) این قانون. ح - کمکه های اعطائی از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی. جالب آنکه طبق تبصره ۳ این ماده: «در صورت کمبود منابع مالی صندوق، دولت موظف است در بودجه سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تأمین کند» و جالب تر آنکه طبق تبصره ۴ این ماده: «درآمدهای صندوق مشمول مالیات به نرخ صفر بوده و از هرگونه عوارض معاف است. همچنین صندوق از پرداخت هزینه های دادرسی و اوراق و حق الاجراء معاف می باشد». در تبصره های دیگر این ماده امتیازات دیگری هم برای صندوق در نظر گرفته شده است.



## برآمد

در خصوص میزان تعهدات صندوق تامین خسارتهای بدنی در پرداخت دیه‌های مطالبه نشده قبل از تصویب قانون اصلاح قانون بیمه اجباری در سال ۱۳۸۷، دو رویکرد نظری و به تبع آن قضایی وجود بر اساس رویکرد نخست قانون حاکم بر این پرونده‌ها قانون بیمه اجباری ۱۳۴۷ است و از آنجا که اثر قانون نسبت به آینده بوده و عطف بما سبق نمی‌گردد لذا امکان پرداخت بیمه به نرخ روز وجود ندارد درحالیکه دیدگاه دوم بر این عقیده است که روح حاکم بر مقررات دیه و صندوق اقتضای پرداخت دیه به قیمت یوم الادا را دارد. آنچه مسلم است آن است که صندوق تامین خسارتهای بدنی یک نهاد حمایتی است که وظیفه اصلی و فلسفه ایجاد آن حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی می‌باشد. به همین جهت قوانین مرتبط با این صندوق می‌بایست در راستای فلسفه وجودی آن، تفسیر گردد لذا باید گفت از میان دو رویکرد موجود، رویکرد دوم در جبران خسارت زیان‌دیدگان اولویت دارد. از یکسو با استناد به قاعده فقهی پرداخت دیه به نرخ یوم الادا، مبنای پرداخت دیه، زمان وقوع حادثه یا صدور رأی نبوده بلکه زمان پرداخت آن معیار میزان پرداخت است. افزون بر این در صورت پذیرش دیدگاه محدود به سقف تعهدات مالی و با توجه به تورم‌های سالیانه و کاهش ارزش پول، مبالغی به عنوان دیه مطرح می‌شود که ارزش چندانی ندارد و با این مبالغ نمی‌تواند مدعی جبران خسارات زیان دیده شد و ذمه پرداخت کننده را هم بری دانست. به علاوه به موجب قانون جدید بیمه اجباری منابع مالی این صندوق به میزان قابل توجهی افزایش یافته است، تا آنجا که حتی در صورت کمبود منابع، دولت ملزم به تامین مالی این صندوق می‌باشد فلذا پرداخت دیه متناسب با نرخ روز، کاملاً متناسب با منابع مالی کنونی صندوق است. بر این اساس و با توجه به اثبات این فرضیه که پرداخت دیه از جانب صندوق برای این پرونده‌ها باید به نرخ روز پرداخت باشد پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می‌گردد: الف- ارجاع موضوع مورد بحث به اداره وحدت رویه دیوان عالی کشور جهت صدور رای وحدت رویه و ایجاد رویه قضایی واحد. نمونه‌ای از این آرای متعارض در متن این مقاله و پاورقی‌های آن آمده است. ب- در صورت عدم امکان عملی این پیشنهاد بنا به هر جهتی پیشنهاد دوم این است که نرخ پرداخت دیه مقرر در مصوبات هیات وزیران (مربوط به سال‌های قبل از سال ۱۳۸۷) با نرخ تورم در زمان

پرداخت، متناسب سازی، تعدیل و تا حد امکان به روز گردد چراکه سقف تعیین شده در این مصوبات در اغلب موارد بسیار ناچیز و حتی در مقایسه با نرخ تورم در زمان کنونی، بی ارزش است.<sup>۱</sup> ج- در نهایت از آنجا که به نظر می رسد، علت عمده عدم مطالبه دیه در این موارد، غالباً عدم آگاهی زیان دیدگان از وجود صندوقی برای حمایت و پرداخت این قسم دیات بوده است لذا برای جلوگیری از ایجاد و تکرار اینگونه مشکلات پیشنهاد می گردد از منابع مالی پیش بینی شده در تبصره ۵ ماده ۲۴ قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ در راستای اطلاع رسانی و آشنایی مردم با وظایف این صندوق، استفاده گردد.<sup>۲</sup>

۱- به عنوان نمونه برای حوادث رانندگی از مورخ ۱۳۸۰/۰۶/۱۴ لغایت ۱۳۸۳/۰۸/۳، مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و برای حوادث رانندگی از مورخ ۱۳۸۳/۰۸/۴ لغایت ۱۳۸۵/۱۱/۱۸ نیز مبلغ ۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین شده است. برای حوادث رانندگی از مورخ ۱۳۴۷ لغایت شهریور ۱۳۶۲: مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و برای حوادث رانندگی از مورخ ۱۳۶۲/۰۶/۱ لغایت ۱۳۷۴/۰۶/۳۱: مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین شده است.

۲- طبق این تبصره: «صندوق می تواند با تصویب مجمع عمومی مربوط، حداکثر تا دو درصد (۲٪) از منابع مالی خود را جهت تعمیم امر بیمه، گسترش فرهنگ بیمه، ترغیب رانندگان فاقد بیمه نامه شخص ثالث به اخذ بیمه نامه و پیشگیری از زیانهای ناشی از حوادث رانندگی از طریق عقد قرارداد با وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرائی ذی ربط از قبیل سازمان صدا و سیما، وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی و ورزش و جوانان اختصاص دهد».

## فهرست منابع

- احسان پور، سیدرضا و امی، احمد (۱۳۹۹)، «مبانی فقهی- حقوقی دیه یوم‌الاداء موضوع ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال دوم، شماره دوم.
- اشرف زاده فرسنگی، مریم (۱۳۹۷)، «مطالبه خسارت مادی از سوی بیمار در صورت قصور پزشک»، نشریه پژوهش های حقوقی قانون یار، دوره اول - شماره ۱، از ۱۷۷ تا ۱۹۶.
- آقامیری، سید حسن، (۱۳۹۲)، *صندوق تأمین خسارت‌های بدنی در پرتو رویه قضایی*، تهران، انتشارات آدینه گل مهر.
- امامی، سید حسن (۱۳۷۵)، *حقوق مدنی*، جلد ۱، تهران، انتشارات اسلامیه.
- امامی پور، محمد (۱۳۸۳)، «تأثیر افزایش نرخ دیه بر مسئولیت شرکت های بیمه»، پژوهشنامه بیمه، شماره ۷۵.
- بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق)، *القواعد لفقهییه*، جلد ۲، قم، نشر الهادی.
- تیزمهر، زهرا و شرافت پیم، محمدرضا (۱۳۹۸)، «تحولات مسئولیت مدنی دارندگان وسایط نقلیه موتوری زمینی در قوانین موضوعه»، نشریه دانشنامه‌های حقوقی، شماره ۳.
- حسینی روحانی قمی، سید صادق (۱۴۲۹)، *منهاج الفقاهه*، جلد ۳، قم، انوار الهدی.
- خانی گیاشی، بهمن (۱۳۹۶)، *مجموعه قوانین و مقررات بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری در مقابل شخص ثالث*، انتشارات معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
- خدابخشی، عبدالله (۱۴۰۰)، *حقوق بیمه و مسئولیت مدنی*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۳)، *بیمه و حقوق مسئولیت مدنی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل.
- دیدگاه های مشورتی اداره حقوقی سازمان قضایی ن. م، (۱۳۹۰)، *مجله دادرسی*، شماره ۸۶، از ۶۷ تا ۶۸.

- شیخوند، محمدصادق و انصاری رامندی، حکیمه (۱۴۰۰)، *قانون بیمه اجباری در نظم حقوقی کنونی*، تهران، انتشارات جنگل.
- صدوق، محمد بن علی (ابن بابویه) (۱۳۶۳)، *الخصال*، تهران، مطبعه علمیه الاسلامیه.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۸)، *تعارض قوانین در زمان - حقوق انتقالی*، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۴)، *حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها*، چاپ چهل و هفتم، شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۰)، «ستایش قرارداد یا اداره آن»، فصلنامه نقد و نظر، سال هفتم، شماره ۱-۲.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸)، *الزامات خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی)*، جلد ۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کریمی، محمد باقر، (۱۳۷۸)، «ملاک هایی در پرداخت قیمت دیه»، حقوقی دادگستری، شماره ۲۸ و ۲۹، از ۱۹۳ تا ۲۱۶.
- کاویانی، مریم و وروایی، اکبر (۱۳۹۴). «بررسی تاثیر افزایش سالانه دیه بر نرخ وقوع جرایم کلاهبرداری و ارتشا»، نشریه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی، سال دهم، شماره ۴.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۳)، *قواعد فقه (بخش جزایی)*، چاپ بیست و نهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، محمد (۱۳۸۲)، *المحاضرات (مباحث اصول الفقه)*، جلد اول و چهارم، اصفهان، انتشارات مبارک.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، چاپ سوم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- زندى، محمدرضا (۱۳۸۲)، *مجموعه دیدگاههای حقوقی وقضایی قضات دادگستری استان تهران*، ج ۳، چاپ اول، نشر اشراقیه.
- مرادخانی، احمد، حسینی، سیدمسیح، احمدی، سید محمد مهدی و عسگری، علیرضا (۱۳۹۰)، «بررسی فقهی و حقوقی قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین با

تأکید بر مقوله قصاص»، مطالعات فقهی و فلسفی، سال دوم، شماره ۸.  
 مرتضوی، سیدسلیمان، الهام، غلامحسین و عبدیان، محمدرضا (۱۳۹۸)، «تأملی  
 بر حاکمیت قوانین کیفری در زمان با تأکید بر احکام اجتهادی»، نشریه مجلس و  
 راهبرد، بهار ۱۳۹۸ - شماره ۹۷.  
 مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق)، *مائه قاعده فقهیه*، جلد ۱، قم،  
 موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.  
 مهدی پور، حمید و مهدیون، سید ابراهیم، (۱۳۸۸)، «گزارش نشست  
 قضایی استان - پاسخ به پرسش های ۴۱۵ تا ۴۱۷ خبر و گزارش»، ماهنامه  
 قضاوت، شماره ۵۸، از ۲۵ تا ۳۷.  
 نهرینی، فریدون (۱۳۹۶)، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۱، تهران، گنج دانش.  
 ولایی، عیسی. (۱۳۷۴)، *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*، جلد ۱،  
 تهران، سمت.